

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی

گرایش فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

تبیین فلسفی و عرفانی از تأویلات امام خمینی (ره)

از آیات قرآن کریم

استاد راهنما:

دکتر مهدیه سادات مستقیمی

استاد مشاور:

دکتر محمد تقی دیاری بیدگلی

نگارنده:

طاهره قره چائی

اردیبهشت ۱۳۹۲

تقدیم به

پدر و مادر بزرگوارم که هرچه دارم بعد از پروردگار بی همتا از دعای خیر

آنهاست.

تقدیم و تشکر

سپاس و ستایش مرخدای را جل و جلاله که آثار قدرت او بر چهره روز روشن، تابان است و انوار حکمت او در دل شب تار، درفشان، آفریدگاری که خویشتن را به ما شناساند و درهای علم و حکمت را بر ما گشود و عمری و فرصتی عطا فرمود تا بدان، بنده ضعیف خویش را در علم و معرفت بیازماید. و با تشکر از استاد فرهیخته و فرزانه ام خانم دکتر مستقیمی که در کمال سعه صدر، با حسن خلق، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ ننمودند. و با تشکر از استاد صبور و باتقوا، جناب آقای دکتر دیاری که زحمت مشاوره این رساله را بر عهده داشتند. و نیز از اساتید بزرگوار و شایسته جناب آقای دکتر ایزد پناه و جناب آقای دکتر اله بداشتی که زحمت داوری این رساله را متقبل شدند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

و با تشکر از یگانه برادر و خواهرم که همیشه بهترین مشوق و پشتیبان من بودند.

چکیده

در این پایان نامه به استقراء تامّ تأویلات امام خمینی(ره) از بین آثار ایشان و بررسی روشمند آن پرداخته شده است. این تأویلات در سه ساحت خداشناسی، جهان شناسی، و انسان شناسی انتظام یافته اند. مبنا و زیر ساخت اندیشه امام در این تأویلات قاعده وضع الفاظ برای روح معانی است(که در تضاعیف روایات معصومین (ع) نیز دیده می شود). امام (ره) با تأویل و تبیین برخی از اسماء و صفات الهی نظیر علم و رحمت با برخی از مفاهیم پایه اندیشه عرفانی نظیر فیض منبسط، رحمت اطلاقی وجود و احاطه قیومیه زوایایی از خداشناسی عرفانی را در ذیل آیات قرآن روشن فرموده اند. و در بخش جهان شناسی با تطبیق برخی از مفاهیم مفردات و آیات، بر عوالم و طبقات هستی در جهان بینی عرفانی در آن جا که مؤیدات و قراین روایی تفسیری وجود داشته است همت گماشته اند. بخش عمده ای از تأویلات امام(ره) در حوزه انسان شناسی و شناخت انسان کامل و همچنین مربوط به مقامات و احوالات سلوکی و شاخصه های سیرو سلوک عرفانی است. که حقیقت لیل القدر و انطباق آن با بنیه محمدیه و حقیقت ارض و انطباق آن با قلب انسانی و حقیقت فتح قرآنی و انطباق آن با فتوحات سه گانه و حقیقت جبل و انطباق آن با آنانیت نفس و حقیقت عصر و انطباق آن با انسان کامل و حقیقت قاب قوسین و انطباق آن با نهایت قرب رسول گرامی اسلام به مبدأ متعالی از زمره این موارد است.

کلید واژه ها: تأویل، عرفانی، خداشناسی، انسان شناسی، هستی شناسی، مقامات، سیر و

سلوک، امام خمینی.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۱. فصل اول: کلیات	
۳	۱-۱. تبیین مسأله.....
۴	۲-۱. سؤالات اصلی.....
۴	۳-۱. فرضیه های پژوهش.....
۴	۴-۱. اهمیت (ضرورت) پژوهش.....
۵	۵-۱. سابقه و پیشینه ی پژوهش.....
۵	۶-۱. اهداف و کاربردهای پژوهش.....
۵	۷-۱. روش پژوهش.....
۶	۸-۱. تاویل.....
۶	۱-۸-۱. پیشینه تاویل.....
۷	۲-۸-۱. واژه تاویل.....
۸	۳-۸-۱. نگاهی به اقسام تاویل.....
۱۰	۴-۸-۱. تاویل عرفانی.....
۱۳	۱-۴-۸-۱. تاویل و زبان عرفان.....
۱۶	۲-۴-۸-۱. عوامل پیدایش تاویل عرفانی.....
۱۷	۳-۴-۸-۱. سیر تطور و تحول در تاویلات عرفانی.....
۲۰	۴-۴-۸-۱. سیر تطور تاویل عرفانی در فرهنگ شیعه.....
۲۲	۵-۴-۸-۱. تاویل اهل تصوف و صوفیه و عرفان.....
۲۳	۹-۱. عرفان از نظر امام خمینی (ره).....
۲۳	۱-۹-۱. موضوع و تعریف عرفان از منظر امام خمینی (ره).....
۲۴	۲-۹-۱. آخرین مرز قلمرو معرفت در عرفان از دیدگاه امام خمینی (ره).....
۲۵	۳-۹-۱. عرفان نظری و عرفان عملی از دیدگاه امام خمینی (ره).....
۲۵	۴-۹-۱. مسائل عرفان نظری و عرفان عملی.....
۲۵	۵-۹-۱. خصوصیات و شاخصه های روش تاویلی امام خمینی (ره).....

۲. فصل دوم: تأویلات امام خمینی (ره) در حوزه خدانشناسی

- ۱-۲. اسماء الهی ۲۸
- ۱-۱-۲. تأویل مقام «هو» ۲۸
- ۲-۱-۲. تأویل «قل» به افاضه اشراقی و تجلی غیبی الهی ۳۲
- ۳-۱-۲. تأویل «عرش» به «فیض منبسط» ۳۶
- ۴-۱-۲. تأویل «امانت» به «ولایت مطلقه الهیه» ۳۹
- ۲-۲. صفات ۴۶
- ۱-۲-۲. صفت رحیمیت ۴۶
- ۱-۱-۲-۲. تأویل «آب» به «رحمت اطلاقی وجود» ۴۶
- ۲-۲-۲. صفت قیومیت ۵۰
- ۱-۲-۲-۲. تأویل «مفهوم اسم قریب» به «احاطه قیومیه» ۵۰
- ۳-۲-۲. صفت علمیت ۵۲
- ۱-۳-۲-۲. تأویل «مفهوم علیم بودن خدا» به «کثرات عالم ارض» ۵۲

۳. فصل سوم: تأویلات امام خمینی (ره) در حوزه جهان شناسی

- ۱-۳. خلقت و آفرینش ۶۵
- ۱-۱-۳. تأویل «خلق و امر» به «فیض اشراقی» ۶۵
- ۲-۱-۳. تأویل «سجده کردن» به «خاضع بودن و بر سنت خدایی حرکت کردن» ۶۸
- ۳-۱-۳. تأویل کلمه «هاویه» به «عالم طبیعت» ۷۰
- ۴-۱-۳. تأویل «طبیعت و عوالم مادی» به «احوال قیامت» ۷۱
- ۲-۳. تأویل حروف مقطعه از دیدگاه امام خمینی (ره) ۷۲
- ۱-۲-۳. تأویل حروف «ن» به «ملائکه» ۷۳
- ۲-۲-۳. تأویل حروف «حم» به «کواکب» ۷۴

۴. فصل چهارم: تأویلات امام خمینی (ره) در حوزه انسان شناسی

- ۱-۴. خلقت انسان ۷۸
- ۱-۱-۴. تأویل «حرکت ابرها» به «صورت جوهری انسان» ۷۸
- ۲-۱-۴. تأویل «خلقت انسان با دو دست خداوند» به «خلقت انسان با صفات متقابل خداوند» ۷۹
- ۲-۴. ولایت شناسی ۸۳

- ۴-۲-۱. تأویل کلمه «وسط» به «ائمه هدی (ع) (کمّیلین از انسانهای کامل)» ۸۳
- ۴-۲-۲. تأویل «گره و عقده در زبان داشتن» به «نحوه مشاهدات انبیاء و امکان بیان آن» ۸۵
- ۴-۲-۳. تأویل «فراخوان حج توسط حضرت ابراهیم» به «فراخوان راه خدا توسط انسان کامل» ۸۹
- ۴-۳. دستورالعمل و آموزه های سلوکی ۹۰
- ۴-۳-۱. تأویل «دقت در کم و کیف طعام مادی» به «مراقبت بر نحوه ارتزاق علمی و معنوی» ۹۰
- ۴-۳-۲. تأویل «شجر» به «نفس انسان» ۹۲
- ۴-۳-۳. تأویل «خوردن میوه ممنوعه» به «توجه به کثرات» ۹۶
- ۴-۳-۴. تأویل کلمه «هجرت» به «هجرت معنوی و برخی از مقامات سلوک» ۹۹
- ۴-۳-۵. تأویل «روان شدن کشتی تا هنگام آرامش و لنگر انداختن» به «برخی از مراتب و منازل سلوک» ۱۰۵
- ۴-۳-۶. تأویل کلمه «ارض» به «قلب انسانی» ۱۰۹
- ۴-۳-۷. تأویل «طهارت نماز» به «طهارت قلب» ۱۱۳
- ۴-۳-۸. تأویل «طهارت» به «طهارت قلب» ۱۱۵
- ۴-۳-۹. تأویل کلمه «رجز» به «دوری از محضر انس و مهجوری از مقام قدس» ۱۱۸
- ۴-۳-۱۰. تأویل «سیر حضرت ابراهیم از عبودیت ماه و خورشید» به «سوی عبودیت الهی» ۱۲۰
- ۴-۳-۱۱. تأویل کلمه «جبل» به «أنانیت نفس» ۱۲۸
- ۴-۳-۱۲. تأویل «بیماری دلها» به «چگونگی و مراحل تنزل و سقوط نفس» ۱۳۵
- ۴-۳-۱۳. تأویل «سلامت بودن» به «یکی از مراتب سلوک» ۱۳۷
- ۴-۳-۱۴. تأویل کلمه «فتح» به «فتوحات سه گانه معنوی» ۱۳۹
- ۴-۴. مقامات و حالات سلوکی ۱۴۳
- ۴-۴-۱. تأویل «زمان قیامت و اتفاقاتی که در آن رخ می دهد» به «احوال سالکان الی الله»
- ۴-۴-۲. تأویل «قیامت» به «احوال سالکان الی الله» ۱۴۳
- ۴-۴-۳. تأویل «رؤیت آیات آفاقی و انفسی» به «سیر در برخی از مشاهدات و مقامات سلوکی» ۱۴۷
- ۴-۴-۴. تأویل «معراج پیامبر (ص)» به «احوال سالکان الی الله» ۱۵۲
- ۴-۴-۵. تأویل «اوقات پنج گانه نماز» به «مراحل و مقامات سیر سالک» ۱۵۷

- ۴-۴-۶. تأویل «داستان سفر حضرت موسی با حضرت خضر» به «برخی از حقایق و فراز و فرودهای راه سیر و سلوک» ۱۶۴
- ۴-۴-۷. تأویل «برخیز و هشدار ده» به «طریقه سلوک و مقامات سالکان الی الله» ۱۷۰
- ۴-۴-۸. تأویل «مفهوم آیه کُلَّ یَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ» به «لوازم طریقه سلوک الی الله» ۱۷۴
- ۴-۵. انسان کامل ۱۷۸
- ۴-۵-۱. تأویل «محل نزول قرآن» به «بنیة محمدیه» ۱۷۸
- ۴-۵-۲. تأویل «شرح صدرپیامبر(ص)» به «جمع بین عالم غیب و شهادت و حفظ وحدت غیبیه و عالم غیب با حفظ کثرات عالم طبیعت» ۱۸۲
- ۴-۵-۳. تأویل «قاب قوسین» به «نهایت قرب رسول گرامی اسلام به مبدأمتعالی» ۱۸۴
- ۴-۵-۴. تأویل «والعصر» به «انسان کامل» ۱۹۰
- ۴-۵-۵. تأویل کلمه «عَلَّمَ، تعلیم داد» به «به ودیعت گذاشتن صورت اسماء و صفات» ۱۹۱
- نتیجه گیری ۱۹۵
- فهرست منابع ۱۹۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با نام او که در عالم عالم آفریدن، عظیم تر و زیباتر از نقش و خلق محمد(ص) نیافرید و با نام او که قرآن را همتای خُلق محمد و به عظمت همه جهان هستی، وسعت داد. با نام او که کتاب تکوین و تدوین و کتاب وجود انسان کامل را هماهنگ نمود و در تطابق این سه نسخه، سطور و بطون معانی آیات تکوین و تشریح را برای صاحب‌دلان باز گشود و اُفق های ناپیدا کرانه معرفت را در زلال جاری اشارات و لطائف قرآنی برای آنانی که با کُحل بصیرت بر چشمان دلشان سرمه کشیدند، هویدا نمود. و در عالم عالم آفریدن به زین نتوان رقم کشیدن.

و با سلام بر امام خمینی(ره) آن عبدی که سراسر خُلق او سرشار از قرآن و رهنمودهای او لبریز از فرقان بود او که سالها در پس پرده اخلاص و عاشقی از جان قرآن نوش کرد تا توانست ساغر تفسیر عرفانی را به دست گیرد و از شراب طهور تأویلات پُر سازد و پیاله های دل مُریدان خویش را از لذت گوارای آن، سیراب سازد و از کوثر تسنیم معرفت، رشحاتی به لب تشنه کامان حقیقت برساند. سلام بر دستان هدایتگرش، سلام بر مهربونی نوازشگرش، سلام بر زیر و بم موج تأویلات عرفانی اش و سلام بر زلالی تفسیر باطنی اش، سلام بر او که تا اوج دریای عرفان رفت و قدمی از راه شریعت نه لغزید. سلام بر او که تا بود تا آخرین نفس برای حفظ شریعت ایستاد ولی به مهلکه جمود گرایی و ظاهر پرستی در نعلتید، سلام بر روح الله او که ظاهر قرآن را در مسلخ باطن گرایی ذبح نکرد و به بهانه ظاهرگرایی باطن و تأویل قرآن را در مذبح تصلب و تعصب برظواهر، قربانی نمود.

به حُرمت آیه نون والقم و مایسپرون، قلم بر دست گرفته و به استقبال تأویلات عرفانی آن عارف کامل می رویم، تا در پرتو کلمات نورانیه او رشحه ای از رشحات معانی باطنی قرآن را دریابیم و از خداوند می خواهیم که این سعی و تلاش را، بهانه شفاعت قرار دهد تا در آن روزی که هر امتی با امامشان محشور می شوند ما را نیز در زمره مریدان مکتب عرفان و از شاگردان تفسیر قرآن او به شمار آورده و با اجداد طاهرینش محشور فرماید.

فصل اول

فصل کلیات

۱-۱. تبیین مسأله

قرآن کریم کتاب تعقل و تفکر، علم و عمل و راهنمای سعادت و رستگاری در جنبه های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی و وسیله خودسازی برای همه انسان هاست. قرآن کریم بنا به تعبیر صادقی دارای ارکان اربعه ایی است که عوام از عبارات، خواص از اشارات، اولیاء از لطائف و انبیاء از حقایق آن بهره می برند و دریای معانی قرآن برای همه سطوح معرفتی دارای پیام هایی است. از این رو راه استفاده از قرآن به تفسیر و تحلیل الفاظ ظاهری خلاصه نمی شود و در پس هر لفظی از الفاظ آیات قرآن، معانی ناپیدا کرانه و بطون ژرفی نهفته است و شیوه ی تأویل راهی است که از طریق آن می توان به دریافت نکته ها و رازهایی که در ورای الفاظ ظاهری یعنی در لایه های باطنی قرآن نهفته است واصل گردید.

از مفهوم تأویل در دیدگاه های متفاوت تعاریف مختلفی ارائه شده است و برخی از معاصرین، آن را عبارت از تبیین آیات در معنای خلاف ظاهر لفظ معنا می نمایند و برخی نیز نظیر علامه طباطبائی معتقدند که تأویل مرتبط با تحلیل معنا و لفظ نیست بلکه تبیین حقیقت عینی مفاهیم است.

حضرت امام قدس سره با تمسک به قاعده ی وضع الفاظ برای ارواح معانی، نظریه و دأب ویژه ایی در تأویل آیات برگزیده اند این شیوه از چشمه سار دیدگاه های فلسفی و عرفانی این حکیم قرآن شناس إشراب می گردد. رسالت اصلی این پایان نامه این است که ضمن بررسی مفهوم تأویل از دیدگاه ایشان و إستقراء تام و إرائه ی نوین و نظام مند تأویلات ایشان به تحلیل و تبیین فلسفی و عرفانی این تأویلات پرداخته و خواستگاه و بستر رویش و بالندگی آن

تأویلات را براساس نظریات، اصلاح و براهین و زبان فلسفه و عرفان تا حد امکان توضیح دهد.

۱-۲. سوالات اصلی

۱. مصادیق تأویلات امام خمینی (ره) چیست؟
۲. مبانی فلسفی عرفانی آراء تأویلی امام خمینی (ره) در چیست؟

۱-۳. فرضیه های پژوهش

۱. امام خمینی (ره) به تأویلات فراوانی در حوضه های خداشناسی، هستی شناسی، انسان شناسی، ولایت شناسی و احوالات و مقامات سلوکی پرداخته اند.
۲. برخی از مبانی فلسفی عرفانی نظیر تشکیک در ظهور، وحدت وجود، کون جامع بودن انسان کامل و مجازات جهان صغیر و جهان کبیر در پرتو به عنوان مثابه تأویلات قرآنی امام خمینی (ره) تلقی می شوند.

۱-۴. اهمیت (ضرورت) پژوهش

۱. شناخت بیشتر دیدگاه های امام خمینی (ره) در رابطه با تأویل و تفسیر قرآن کریم.
۲. منوط بودن فهم تأویلات قرآنی امام خمینی (ره) به شناخت دیدگاه های فلسفی و عرفانی ایشان.
۳. اهمیت و ضرورت تأمل در بطون و اشارات قرآن و احتراز از جمود گرایی در فهم ظاهری و سطحی قرآن.
۴. تبیین نظریات شاخص و منحصر به فرد امام در روش تفسیری و تأویلی در ارتباط با سایر دیدگاه های علمی جامع الأطراف ایشان.

۱-۵. سابقه و پیشینه ی تحقیق

تبیین تأویلات امام خمینی (ره) در قرآن کریم بر اساس دیدگاه های فلسفی و عرفانی ایشان که موضوع مورد بحث این پایان نامه است مسبوق به سابقه و پیشینه ی مستقلی نمی باشد و تاکنون به طور جداگانه و کامل مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است، هر چند ممکن است به برخی از زوایا در بعضی از مقالات یا پایان نامه ها اشاره شده باشد.

۱-۶. اهداف و کاربرد های پژوهشی

۱. جمع آوری دقیق و استقراء تام تأویلات قرآنی امام خمینی (ره) و ارائه ی آنها در سبک و طبقه بندی نوین.
۲. تبیین چگونگی رابطه ی دیدگاه های فلسفی و عرفانی امام با تأویلات قرآنی ایشان.
۳. اثبات تأثیرپذیری قابل توجه تأویلات امام خمینی (ره) از شاخصه های اندیشه های عرفانی ایشان.

۱-۷. روش پژوهشی

روش پژوهش و گردآوری این پایان نامه، روش کتاب خانه ای است که از طریق جست و جو و تفحص در مطالعه های گوناگون و نیز مقالات و پایان نامه های مربوطه و نرم افزارهای مرتبط، تهیه شده است. در این راستا از روش توصیفی استفاده شده است و پس از آن از روش تحلیلی و استنباطی نیز بر روی داده ها استفاده شده است.

۸-۱. تأویل

۸-۱-۱. پیشینه تأویل:

تأویل سابقه ای بس دراز در مکاتب بشری دارد. از عهد فیثاغورثیان و نوافلاطونیان گرفته تا زمان کنونی آن را می توان دید. این شیوه از معنا کردن متن، در بین اقوام و امت های گذشته بیشتر وسیله ای بوده برای اثبات عقاید و آرای تازه و بی سابقه، یا راه فراری بوده برای پرهیز از ظواهر سخنانی که گمان می رود با مقتضای عقل یا ذوق قلبی موافق نیست. اصحاب فیلون یهود [م حدود دو سه قرن پیش از میلاد تا ۳۰ بعد از میلاد] در تفسیر تورات، و فرقه های نزدیک (زندیق) مجوس در تفسیر اوستا، همین شیوه را دنبال می کردند. پس از اسلام، این شیوه از برخورد با متون، در ابعاد کلامی، فلسفی و عرفانی به وجود آمد. گروه هایی در جهت برگرداندن کلام به معنایی که با عقل یا ادله دیگر شرع سازگار نمی آمد از آن استفاده می کردند و متون را تأویل عقلی می کردند. گروه هایی نیز، آن را وسیله ای برای اثبات عقاید و اندیشه های فلسفی خود و مشروعیت بخشیدن به آنها کرده بودند. در این میان در فرهنگ اسلامی روش ها و آموزه هایی از پیامبر(ص) و ائمه معصومین (ع)، به تأویل گرایی زیر عناوینی مانند ژرفناکی و بطون داشتن قرآن کمک کرده است.

در این زمینه ابن عباس از امیرمؤمنان(ع) نقل می کند که: «إِنَّ الْقُرْآنَ أَنْزَلَ عَلَيَّ سَبْعَ أَحْرَفٍ، مَا مِنْهَا إِلَّا وَ لَهُ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ». امام باقر(ع) درباره باطن می فرماید: منظور از آن تأویل قرآن است. مفسرین نخستین، به طور صریح تر جهت گیری تأویل را بازگو کرده اند. آنها معتقد بوده اند که: ظاهر آیه آن معانی ای است که بر اهل علم ظاهر گشوده شده و باطن هم آن معانی پنهانی است که خداوند بر ارباب حقایق بیان کرده است.^۱

^۱ سید محمد ایازی، تفسیر قرآن مجید برگرفته از آثار امام خمینی (س)، (تهران: چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۸)، ج ۱، ص ۳۷۵-۳۷۶

۱-۸-۲. واژه تأویل

واژه التأویل از- اول - است یعنی رجوع و بازگشت به اصل و - الموثی - مکان و جای بازگشت است. و در بیانی دیگر آمده است که تأویل به معنای رد کردن چیزی به سوی غایت و مقصودی که اراده شده چه از راه علم و چه از راه عمل^۱.

عارف عالیقدر جناب سید حیدر آملی (ره) تأویل را نگاه به غیر ظاهر، و دریافت حقیقت جهان معنا می کنند. به همین دلیل مشی ایشان در قالب تفسیرهای رایج نمی گنجد. ایشان می خواهند یک دسته مسائلی را بیان کنند که به نظر وی تأویل کتاب است و تأویل کتاب را نفس انسانی و خواندن نفس را معرفت نفس می دانند. و بیان می کنند که معرفت نفس به معرفت رب منتهی می شود. و این نفسی است که مظهر جهان خواهد شد. وی پس از بیان این مطالب باشیفتگی می فرمایند. "چه خوب تأویلی است آن تأویلی که تو را به این مکاشفه ها رهنمون می سازد و چه زیبا و خواندنی که تو را به این دیدنی ها می رساند"^۲. و همچنین صاحب کتاب قاموس در بیان معنای تأویل می گوید: "اول یعنی رجوع کرد به سوی او و وقتی با «عن» متعدی می شود به معنای ارتداد و سرپیچی می آید. پس کلام را تأویل نمود یعنی آن را برگردانیده و ارزیابی نموده است. و گاهی نیز تأویل به معنای تعبیر خواب بیان می شود"^۳. و همچنین در تعریف دیگری از واژه تأویل آمده است که تأویل از ریشه اول گرفته شده، لذا به معنای ارجاع دادن می باشد. تأویل در موردی به کار می رود که گفتار یا کرداری مایه شبهه گردیده، و موجب حیرت و سرگردانی شده باشد^۴.

^۱ راغب اصفهانی، المفردات، چاپ اول، (بیروت: دارالعلم الدارالشامیه، ۱۴۱۲ق)، ص ۲۲۴

^۲ تفسیر قران مجیدبرگرفته از آثار امام خمینی (ره)، ج ۱، ص ۴۵۴

^۳ عباسعلی عمید زنجانی، مبانی و روشهای تفسیرقران، چاپ اول، (سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۶۶)، ص ۶۳

^۴ آیت الله محمد هادی معرفت، علوم قرآنی، چاپ اول، (یاران قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التهمید، ۱۳۷۸)، ص ۲۷۳

و عارف عالیقدر جناب علامه محمد حسین طباطبایی (ره) در تعریف واژه تأویل، آن را به امور عینی و فراتر از مفاهیم الفاظ معرفی می نماید. و می فرمایند "تأویل از امور عینی است و فراتر از آن است که قالبهای الفاظ آن را فراگیرد".^۱

و در مجموع می توان گفت که تأویل در لغت به معنای مقصود و فرجام چیزی است در کاربرد اصطلاحی آن، یعنی برگرداندن سخن به حقیقت واصل آن هر چند با احتمالی یا بیان مصداقی و نشان دادن حقیقت خارجی آن توأم باشد.^۲ واژه تأویل در قرآن کریم به سه معنا آمده است: اولاً: به معنای توجیه ظاهر لفظ یا عمل متشابه، به گونه ای صحیح که در مورد قبول عقل و مطابق با نقل باشد که ممکن است مصداق تأویل بدین معنا در متشابه قولی (سوره ال عمران-آیه ۷) و در عمل متشابه جریان مصاحبت موسی (ع) که در آیات سوره کهف آیه ۷۸ و آیه ۸۲ بدان اشاره رفته است.

ثانیاً: به معنای تعبیر خواب، که هشت بار در سوره یوسف در آیات (۶-۲۱-۳۶-۳۷-۴۴-۴۵) آمده است.

ثالثاً: به معنای فرجام و حاصل کار، و به عبارت دیگر تأویل یک موضوع، یعنی آنچه که آن موضوع بدان منتهی می شود، مانند آیه مبارکه "وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا"^۳ که "احسن تأویلاً" یعنی بهتر و با سرانجامی نیکوتر.^۴

۱-۸-۳. نگاهی به اقسام تأویل

تأویل در عالم اسلام شاخه های گوناگونی دارد و بر اساس جهتگیری قرآن پژوهان متفاوت شده است. تأویل کلامی، تأویل فلسفی، تأویل عقلی و تأویل عرفانی از این جمله است. علمای

^۱ مهدی رضوان پور، تأویل قرآن از دیدگاه امام خمینی (س) و مقایسه آن با دیدگاه سید حیدر املی (ره)، چاپ اول، (تهران: نشر عروج، ۱۳۸۹)، ص ۴۰۵

^۲ محمد تقی دیاری بیدگلی، جستاری در تأویلات عرفانی امام خمینی (ره)، فصلنامه علمی و پژوهشی دانشگاه قم، سال دهم، شمار. او، تابستان ۱۳۷۸، ص ۵۹

^۳ «و هر چه را به پیمانانه (یا وزن) می سنجید تمام ببیماید (و کم و گران نفروشید) و (همه چیز را) با ترازوی درست و عادلانه بسنجید، که این کاری بهتر و عاقبتش نیکوتر است.» اسراء، ۳۵

^۴ محمد هادی معرفت، التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب، چاپ اول، (مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ و ۱۴۱۹ق)، ج ۱، ص ۲۲-۲۳

اسلامی در برخورد با قرآن و روایات با توجه به گرایشی که داشتند، هنگام بیان عقایدی مانند جبر، تفویض، قضا، و قدر و صفات الهی از دلیل قرآنی استفاده می کردند؛ اگر آیه و روایتی با آن عقیده ناسازگار بود، در جهت برگرداندن کلام و منطبق کردن آیه با عقاید خود، به تأویل روی می آوردند. اشاعره، معتزله، جبریه و مرجئه و ده ها گروه و فرقه دیگر از این شیوه برای اثبات عقیده خود استفاده می کردند و آیات را به گونه کلامی تأویل می کردند.

فلاسفه اسلامی نیز در مکاتب مختلف مشایی، اشراقی و حکمت متعالیه، از تأویل فلسفی استفاده می کردند. آنان با استناد به نص، ظاهر را به معنایی حمل می کردند که خود لفظ در رساندن مقصود گویا نبود و احتمالی مورد توجه قرار می گرفت که به ظاهر برتر از احتمالات بود. گروه های مختلف در جایی که ظاهر کلام با عقل یا دیگر ادله قطعی شرع منطبق نمی آمد، به تأویل عقلی روی می آوردند. به طور مثال در تفسیر آیاتی که مربوط به صفات و افعال خدا می شود، مانند رؤیت (قیامت/۱۹)، استوا (طه/۵) و... برای دفع شبه جسم بودن و مکان داشتن خدا آن را به احتمال و معنایی تأویل می کردند که چنین اشکالی پیش نیاید و یا بر عکس، به گونه ای تأویل می کردند که عقیده مورد نظر مشروعیت پیدا کند.

این مسئله در تأویل عرفانی در سطح وسیع تری انجام گرفت، به گونه ای که در مقایسه با گرایش های پیشین از دشواری، سوء فهم، منضبط نبودن قواعد و درگیری و اختلاف بیشتری برخوردار بوده است، زیرا تأویل گران عرفانی، به جای کندو کاو در الفاظ و عبارات قرآنی و استناد فنی و ادبی، به اموری اشاره می کردند که از لفظ استفاده نمی شد و برای ذهن مأنوس و متداول نبود و چنین اموری سابقه ای نداشت. آنان می گفتند: این مطالب، اشارات قدسی قرآن و معارف تنزیهی خداوند است و تأویلاتی است که با کشف و بالا زدن پرده غیب، بر قلوب عارفین تابیده و احتمالات برتری است که مؤید آنها کشف و شهود عارف است.^۱

^۱ همان، ج ۱، ص ۳۸۱-۳۸۲

۱-۸-۴. تأویل عرفانی

تأویل عرفانی گرایشی است که عارف بر اساس ذوق وجدانی در حالت استغراق و وجد و ریاضت به سبب نوعی حدس نفس و کشف باطنی و شهود قلبی، بدون ربط و مناسبت با ظاهر آیه درک و بیان میکند. این نوع تأویل متکی به ظاهر کلام نیست و سالک از رهگذر الفاظ به آسمان معانی و حقایق سفر می کند و از طبیعت به خیال و از آنجا به ملکوت عالم تدوین. بنابراین نسبت میان ظاهر و تأویل، نسبت صدق و گوهر و پوست و مغز است. نکته مهم این تأویل عرفانی افزون بر قواعد خاص، از طریق سیروسلوک و آموزش خداوند بدست می آید به این جهت یک پایه مهم تأویل، عارف است. این عارف است که مدعی کشف حقایق و استخراج مطالب می شود. لذا باید او را شناخت.^۱

و از دیدگاه سید حیدر آملی (ره)، حقیقت تأویل، در نزد ارباب باطن و اهل طریقت همین تطابق بین کتاب تکوین و تدوین است. و چه زیبا بیان می کند که "تأویل در نزد ایشان، تطبیق بین دو کتاب است، کتاب قرآنی جمعی و حروف و کلمات و آیات آن، و کتاب آفاقی تفضیلی و حروف و کلمات و آیات آن"^۲.

به بیان دیگر می توان گفت تأویل عرفانی، تطبیق عوالم سه گانه آفاقی، آنفسی و تدوینی حق تعالی، بر اساس تصفیه باطن است. پس تأویل عرفانی در یک جمله ساده «عرج از لفظ به معنی و شرح معانی و اسرار باطنی قرآن بر اساس تناسب روحی می باشد. پس کلمه تأویل نشان دهنده رجوع از ظاهر به باطن - در راستای ظاهر- و جداکننده آن از تفسیر عرفانی بودن آن بیانگر تطبیق عوالم تدوینی و آفاقی و آنفسی و تمایز دهنده آن از تأویل های عقلی صرفاً باطنی می باشد.^۳

تأویل عرفانی سیر و مراحل داشته است. در بسیاری از موارد تفسیر اشاری و تأویل عرفانی از یکدیگر تفکیک نشده یا به یکدیگر اطلاق شده است. در آغاز پیدایش عرفان در

^۱ همان، ج ۱، ص ۳۸۳

^۲ آملی سید حیدر، تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم، چاپ سوم، (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۲۲ ق

، ص ۲۴۰

^۳ رحمت الله معظمی گودزی، موضوع مبانی تأویل عرفانی، نشریه فکرونظر، ص ۱۸ و ۲۷

تمدن اسلامی، رفتار زاهدانه و سیر و سلوک عملی مطرح بود و برای این مهم به قرآن استناد می شد. همچنین برای عشق به خدا و فناپذیری انسان، دیدار خداوند و دستیابی به وصال، به آیات و لطایف آن اشاره می شد و این معانی بر خلاف ظاهر نبود، بدین روی دیگران آن را مقوله ای جدا از تفسیر نمی شمردند. به طور مثال قشیری (م ۴۶۵) تفسیر خود را لطیفه های قرآنی می داند. بدین روی آن را لطائف الاشارات می نامد. سلمی (م ۴۱۲) حقائق التفسیر را که سراپا تأویل است تفسیر می داند. در حالی که در آن کمتر تفسیر به معنای مصطلح و رایج آن رعایت شده است. اما از این مرحله به بعد، آرام آرام تفسیر اشاری از تأویل عرفانی راه خود را جدا می کند. ابن عربی (م ۶۳۸) در فتوحات و فصوص، هر چند می گوید آنچه ما بیان می کنیم اشارات است - چون واهمه تکفیر را دارد^۱ - اما در حقیقت دیگر تفسیر اشاری نمی کند و به طور عموم به تأویل عرفانی می پردازد. در فتوحات مکیه تفسیر به معنای رایج کمتر دیده می شود. در فصوص این کار را به نهایت خود می رساند. به گونه ای که تأویلات او از شکل متعارف خارج شده و به سمتی رفته که تا زمان او هیچ کس به این مرحله نرسیده بود. به همین دلیل موج تأویلات عرفانی نظری، بر تفسیر اشاری غلبه پیدا می کند به طوری که نجم الدین رازی (م ۶۵۴ه) در کتاب بحر الحقائق والمعانی فی تفسیر السبع المثانی به دریای حقایق تأویلات اشاره می کند و به همین علت بحر الحقائق با عنوان تأویلات نجم الدین کبری مشهور شده است. مروج مکتب ابن عربی در مباحث قرآنی یعنی صدرالدین قونوی (م ۶۷۳) در اعجاز البیان فی تأویل ام القرآن و ملا عبد الرزاق کاشانی (م ۷۳۶) در تأویلات با صراحت بیشتری فاصله میان تفسیر و تأویل را نشان دادند. کاشانی تعامل با آیات را از موضعی متفاوت با ابن عربی دنبال کرد و مرز میان تفسیر و تأویل عرفانی را مشخص کرد. در مرحله ای بالاتر، در فرهنگ شیعه این سیر را می بینیم. المحيط الاعظم والبحر الخفیم فی تأویل کتاب الله العزیز الحکیم سید حیدر آملی (م ح ۷۹۴) و منتخب تأویلات شیخ بهایی (م ۱۰۳۰) این صف بندی و مرز قائل شدن را حتی در نام کتاب ها به ظهور و بروز می رساند و دیگر این ادعای تفسیر ندارد و مرز بیان خود را نسبت به کتاب خدا به طور شفاف اعلام کرده اند.

^۱ فتوحات مکیه، باب ۵۴، ج ۱، ص ۲۷۹